فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی-فرهنگی، دوره‌ی یازدهم، شماره‌ی ۲، پاییز ۱۴۰۱، صفحات۳۲-۹

مقاله پژوهشی

بررسی عوامل مرتبط با افزایش سن ازدواج در شهر نوشهر

محمد علی الهی چورن[۱]؛ ،محمدتقی حیدری[۲]؛ سعید محرمی[۳]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۷/۲۳

چکیده

افزایش سن ازدواج، معضل و آسیبی است که اگر پایش نشود، افسردگی، کاهش امید به زندگی و فعالیت سازنده در کشور رخ می‌دهد. هدف این تحقیق، بررسی مهم‌ترین عوامل مؤثر در تأخیر سن ازدواج در شهر نوشهر می‌باشد. نوع تحقیق، کابردی و روش توصیفی- تحلیلی است. جهت گردآوری اطلاعات از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی (پرسشنامه) استفاده شده است. جامعهٔ آماری تحقیق خانوارهای شهر نوشهر می‌باشند که طبق فرمول کوکران، تعداد نمونه ۳۸٤ نفر از طریق نمونه-گیری تصادفی ساده مورد پرسشگری قرار گرفتند. روایی پرسشنامه با کمک ۱۰ نفر از اساتید حوزهٔ فرهنگی شهر مورد تایید قرار گرفت و پرسشنامهٔ نهایی تنظیم گردید. سطح پایایی پرسشنامهٔ تحقیق با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷٤ به دست آمد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمار توصیفی و استنباطی (آزمون تحلیل عاملی اکتشافی) استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که نتیجهٔ حاصل از تقلیل ۲۹ متغیر، ۳ عامل بوده است که عبارتند از: عامل اقتصادی، عامل اجتماعی و عامل فرهنگی که در این میان، عامل اقتصادی با مقدار ۸/٦۹ درصد، به تنهایی قادر است ۱۵/۳۹ درصد واریانس را تبیین کند و این امررابطهٔ بین عوامل اقتصادی و افزایش سن ازدواج را تأیید می‌کند؛ درنتیجه هرچه شرایط اقتصادی و مادی جوانان، به‌عنوان بسترهای بنیادی برای ازدواج، مهیا باشد، تمایل ایشان به تشکیل زندگی مشترک بیشتر می‌شود.

واژه‌های کلیدی: ازدواج؛ افزایش سن؛ خانواده؛ شهر نوشهر.

---

[۱] دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.

mohammadali68elahi@yahoo.com

[۲]. دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران (نویسندهٔ مسؤول).

Mt.heydari@znu.ac.ir

[۳] دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه زنجان، ایران.

Moharraamisaeed69@gmail.Com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

مقدمه و بیان مسأله

نهاد خانواده یکی از اصلی‌ترین نهادهای اجتماعی، محسوب می‌شود که در چند دهۀ اخیر، تحت تأثیر شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه، تحولات بسیاری را به خود دیده است (غیاثوند و حاجیلو، ۱۳۹۹: ۱۷۷). در بین تمامی نهادها و سازمان‌های اجتماعی، خانواده نقش و اهمیتی خاص و به‌سزا دارد. تمامی آنهایی که در باب سازمان جامعه اندیشیده‌اند، همۀ مصلحین، حتی رویاگرایان و آنان که به ناکجا آباد روی کرده‌اند، بر خانواده و اهمیت حیاتی آن برای جامعه تأکید ورزیده‌اند (قربانی و همکاران، ۱۳۹۸: ٦٢). ازدواج، به‌عنوان خشت اول شکل‌گیری این بنا اهمیتی ویژه دارد و یکی از اصلی‌ترین انتخاب‌هایی است که فرد در طول زندگی‌اش انجام می-دهد. رضایت از این انتخاب، به مفهوم رضایت از زندگی است و موجب رشد همه‌جانبۀ فردی و اجتماعی می‌شود (بیجاری و همکاران، ۱۳۹۸: ٤٢). فرآیند ازدواج و تشکیل خانواده، همواره در ابعاد مختلف مورد توجه بوده است (خلج آبادی فراهانی، ۱۳۹۸: ۳۰۰) با هسته‌ای شدن خانواده-ها، ازدواج تبدیل به یک تصمیم عاطفی و احساسی شده است. حق انتخاب آزاد همسر، آزادی عمل زنان در ازدواج، تصمیم‌گیری در خانواده، عادی شدن طلاق و موارد مشابه، از جمله تغییرات ازدواج و خانواده محسوب می‌شود (طبیعی و شمسی پور، ۱۳۹۷: ۱۱۸)، به‌طوری‌که، ازدواج، امری فرهنگی و جهانی است، همیشه در طول تاریخ در تمام جوامع وجود داشته است و به مجموعه‌ای از نیازهای اساسی انسان پاسخ می‌دهد. بقای نسل و پرورش فرزندان، تحقق آرزوی دیرین کودکی برای پدر و مادر بودن، دست‌یابی به عالی‌ترین سطح دوستی و صمیمیت در دوران جوانی و بزرگسالی و تقسیم کار و همکاری و همراهی در طول زندگی از اساسی‌ترین کارکردهای خانواده است (قنبری و همکاران، ۱۳۹۷: ٢٤). بدین لحاظ، ازدواج مبنای تشکیل خانواده یعنی اولین و مهم‌ترین واحد اجتماعی بوده است، با این وجود امروزه مسألۀ تأخیر سنی ازدواج با تحول خانواده به سوی خانوادۀ هسته‌ای و در برخی مناطق در مرحلۀ گذار از این وضعیت پیوند خورده است (فخرایی و پورتقی، ۱۳۹٤: ٦٤).

سن ازدواج در هر جامعه‌ای، بر حسب شرایط مختلف جامعه فرق می‌کند. این تأخیر، پیامدهایی را برای جامعه همراه دارد. نگرمن[1] در معایب تأخیر در ازدواج معتقد است که تأخیر ازدواج، ممکن است از لحاظ روانشناسی به آسیب‌پذیری جنسی بیانجامد و با سپری شدن دوران شاد زندگی؛ انگیزۀ تشکیل خانواده مأیوس کننده باشد (زارعان، ۱۳۹۷: ۹۱).

1 - Neckerman

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

سن ازدواج در دهه‌های اخیر، افزایش چشم‌گیری داشته است. آمارها نشان می‌دهد که از هر سه ازدواج در سال ۱٤۰۰ یک مورد به طلاق منجر شده است. مجموع ازدواج کشور در تابستان ۱٤۰۰، ۱۳٤ هزارو ۲۰۸ مورد بوده است. محاسبات نشان می‌دهد که ازدواج در ایران در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹، بیش از ۳٦ درصد کاهش یافته است (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲). این مسأله مختص به کشور ما نیست و عمدتا کارگزاران اجتماعی در سایر نقاط دنیا این پدیده را یک مسأله و یا بحران اجتماعی نمی‌دانند. علاوه بر این، آمارها نشان می‌دهند که در ایران و بسیاری دیگر از کشورها، فاصلهٔ سنی زوجین در حال ازدواج و همچنین پراکندگی یا انحراف معیار سن زنان در هنگام ازدواج، در حال کاهش است. از سوی دیگر ازدواج زودرس در سال-های اخیر سیری نزولی داشته است. برخلاف بسیاری از کشورهای جهان، درصد زندگی مشترک خارج از ازدواج، به هر دلیل در ایران بالا نیست. همچنین، میزان سقط جنین بسیار کم است و نرخ رشد جمعیت نیز در ایران مثبت بوده است، یعنی نیاز به اقداماتی برای افزایش جمعیت در ایران وجود ندارد. از سوی دیگر، نرخ تجرد قطعی در کشور ما در مقایسه با سایر کشورها چندان بالا نیست. اما، نگرانی‌هایی در حوزهٔ مناسبات بین دو جنس وجود دارد (مرادی و صفاریان، ۱۳۹۱: ۸۳). به عبارت دیگر در ایران، با توجه به روند تحولات مختلف؛ یکی از بخش‌هایی که تغییرات قابل ملاحظه‌ای دید، افزایش سن ازدواج می‌باشد (التجانی و عزیززاده، ۱۳۹۵: ۲). جوانانی که ازدواج نمی‌کنند و یا فرصت ازدواج نمی‌یابند، به خاطر سنت‌های غلط اجتماعی به خانه‌نشینی ناچار می‌شوند، به تجرد تمایل دارند و تا سنین بالا با پدر و مادر خویش زندگی می-کنند و برای آغاز زندگی توقعات بالایی دارند (فعله‌گری و همکاران، ۱۳۹۷: ۲).

ضرورت پژوهش حاضر به این دلیل است که تعداد کثیری از جوانان جامعه از مبادرت به ازدواج دوری می‌کنند، به‌طوری‌که ملاحظهٔ افرادی که ازدواج نمی‌کنند و سن ازدواج‌شان افزایش یافته است ، نگارنده را به این فکر واداشته است تا تأثیر عوامل اجتماعی مؤثر بر افزایش این پدیده را مورد شناخت و کاوش قرار دهد. لذا انجام مطالعه و پژوهش دربارهٔ افزایش سن ازدواج از دو جنبهٔ نظری و کاربردی حائز اهمیت می‌باشد. از بعد نظری، انجام مطالعه دربارهٔ موضوع فوق، موجب رشد و ارتقای علمی می‌شود و این مطالعه، به‌عنوان یک مطالعه بنیادی، می‌تواند در جهت شناخت این پدیده، مؤثر باشد. از جنبهٔ کاربردی نیز می‌توان با شناخت عوامل مؤثر بر این پدیده، آگاهی‌های لازم را برای از میان برداشتن موانع موجود بر سر راه ازدواج جوانان کسب نمود و نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند راهکارهای مناسب را در اختیار خانواده‌ها، مسؤولان متولیان بخش فرهنگی و دولتمردان قرار دهد تا بتوانند با شناخت عوامل تأثیرگذار بر این پدیده، برنامه‌ریزی‌های مقتضی را جهت داشتن جامعه‌ای با سن ازدواج مناسب انجام دهند و ارزش‌های

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

جوانان را از ازدواج‌گریزی به سمت ازدواج‌گزینی سوق دهند. از این روی است که توجه و اهمیت به مقولهٔ ازدواج، همواره مورد تأکید عالمان و جامعه‌شناسان به‌خصوص، در حوزهٔ مطالعات خانواده بوده است و عدم تحقق آن در شرایط و زمان بهنگام، به‌عنوان دغدغهٔ ذهنی و فکری مسؤولین این حوزه می‌باشد. خانواده، اساسی‌ترین و در عین حال قدیمی‌ترین نهاد اجتماعی است و پویایی و استمرار آن و کارکردهایش همواره در طول زمان حائز اهمیت می‌باشد. هر چند پژوهش‌های زیادی در مورد این موضوع انجام شده است، ولی در اکثر موارد به عوامل ظاهری پرداخته‌اند و از بررسی تحلیلی و ریشه‌یابی دور بوده‌اند که در این پژوهش به نکات بسیاری توجه شده است. نتایج حاصل از این تحقیق می‌تواند راه‌گشای ذهنی مسؤولین برای شناخت عوامل مؤثر بر تأخیر در سن ازدواج باشد و با شناخت این عوامل، برنامه‌ریزی جهت برداشتن موانع و بهبود اوضاع اجتماعی تسهیل خواهد شد. شهر نوشهر از شهرهای استان مازندران است. در دو دههٔ اخیر، این شهر شاهد رشد شاخص هایی همچون رشد شهرنشینی، رشد و گسترش مراکز آموزش عالی، باسوادی، جوانی جمعیت، گسترش وسایل ارتباط جمعی، مهاجرت گسترده از روستاهای منطقهٔ کجور به این شهر، رشد طبقات متوسط فرهنگی، اقتصادی و مجاورت با شهرهای چالوس و نور که به‌عنوان یکی از شهرهای گردشگرپذیر می‌باشند، بوده است. چنین تغییرات و شاخص‌هایی در نگرش گروه‌های نسلی بی‌تأثیر نیست و انتظار می‌رود این تحولات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، بیش از همهٔ گروه‌ها، دامن جوانان را بگیرد و به تغییر نگرش‌ها و ارزش‌های آن‌ها در خصوص ازدواج با نسل‌های پیشین منجر شود.

بنابراین هدف این تحقیق، بررسی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج و ارائهٔ راه-کارهای اساسی در منطقهٔ مورد مطالعه می‌باشد. پژوهش حاضر در تلاش است تا به این سؤال پاسخ دهد: مهم‌ترین عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج در شهر نوشهر کدام‌اند؟

پیشینهٔ تحقیق

ضرابی و مصطفوی در سال ۱۳۹۰ در تحقیقی تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر ازدواج در ایران، یک رویکرد اقتصادی» به این نتیجه رسیده‌اند که رابطهٔ معناداری بین افزایش سن ازدواج و تحصیلات وجود دارد. همچنین متغیر شهری بودن در مقایسه با روستایی بودن در مجموع تاثیر منفی بر سن ازدواج زنان نشان می دهد. در میان قومیت های مختلف نیز تفاوت سن ازدواج دیده می شود؛ به‌طوری که در مدل اول، سن ازدواج زنان گیلانی نسبت به زنان مازندرانی بالاتر بوده است و سن ازدواج زنان بلوچ و زنان لر نسبت به مازندرانی‌ها پایین‌تر می‌باشد و در مدل دوم، سن ازدواج ترکمن‌ها، کردها و گیلک‌ها نسبت به مازندرانی‌ها بالاتر بوده است. همچنین نتایج

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

نهایی نشان می‌دهد که سن ازدواج در میان خانوارهای طبقات اقتصادی بالاتر، پایین‌تر می‌باشد و نهایتا سن ازدواج در میان دسته‌های سنی اخیر نسبت به گذشته، با روندی افزایشی رو به رو است. فولادی در سال ۱۳۹۳ در تحقیقی تحت عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی افزایش سن ازدواج با تأکید بر عوامل فرهنگی» به این نتیجه رسیده است که عواملی مانند داشتن شغل، درآمد مناسب و برخورداری از تحصیلات عالی برای ازدواج، دامنهٔ سن ازدواج را افزایش داده است.

مهربانی در سال ۱۳۹۵ در تحقیقی تحت عنوان «سن ازدواج، طول مدت خانواده و درآمد فرد، تحلیلی اقتصادی از منافع ازدواج» به این نتیجه رسیده است که سن ازدواج اثر مثبت بر ازدواج و مدت آن و اثر منفی بر درآمد افراد متأهل دارد. این یافته مؤید آن است که آموزش، می-تواند عامل مهم بروز چنین واقعیتی باشد، زیرا از یک‌سو موجب تأخیر در ازدواج می‌شود، از سوی دیگر درآمد فرد را افزایش می‌دهد.

عباس‌زاده و نیک‌دل در سال ۱۳۹۵ در تحقیقی تحت عنوان «مطالعهٔ بسترهای زمینه‌ساز تأخیر در ازدواج دختران با رویکرد پدیدارشناسی توصیفی» به این نتیجه رسیده‌اند که اگرچه ۹۰درصد سوژه‌های بررسی شده تمایل خود را به ازدواج نشان دادند، زمینه‌های فردی و اجتماعی و فرهنگی زیادی را به منزلهٔ عامل بازدارنده بر سر راه ازدواج درک کرده‌اند. یافته‌ها گویای آن است که نفوذ تحولات مدرن و شالوده شکنی نه تنها ساختارهای کلان را دچار دگرگونی کرده است، بلکه به شخصی‌ترین و خردترین رویکردهای گزینشی و از آن جمله انتخاب همسر نفوذ کرده است.

شکوری و همکاران سال (۱۳۹۷) در پژوهشی به عوامل مؤثر بر عدم تمایل به ازدواج در بین کارکنان مجرد ادارات شهرستان همدان پرداختند. نتایج این پژوهش که با استفاده از روش پیمایش انجام شده است، نشان می‌دهد که متغیرهای عدم تمکن مالی، دشوارسازی ازدواج، نگرانی از ازدواج ناموفق، اعتقاد به هزینهٔ بالای ازدواج، لذت از مجردی، معاشرت با جنس مخالف و انتظارات آرمان‌گرایانه از ازدواج از عوامل مؤثر بر تجرد افراد مطالعه شده است.

پترونی[1] و همکاران در سال ۲۰۱۹ در تحقیقی تحت عنوان «واکاوی رابطهٔ بین سن ازدواج و رضایت‌مندی جنسی» از طریق رهیافت تفسیرگرایانه و تحلیل محتوا به این نتیجه رسیده‌اند که افزایش سن قانونی رضایت جنسی، نوجوانان را از دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی که برای محافظت از خود نیاز دارند، محدود می‌کند.

[1].Petroni

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

همکا [1]و همکاران در سال ۲۰۲۱ در تحقیقی تحت عنوان «تدوین قانون ازدواج در خصوص محدودیت سنی ازدواج بر اساس قانون شمارهٔ ۱٦ سال ۲۰۱۹) با استفاده از روش کدگذاری کیفی به این نتیجه رسیده است که با اعمال این قانون از افزایش سن ازدواج جلوگیری خواهد شد. تصویب طرح افزایش حداقل سن ازدواج، پیامدهای منفی از جمله کاهش نرخ باروری کل کشور را به دنبال دارد. به علاوه با توجه به کاهش سن بلوغ جوانان، افزایش فساد اخلاقی از جمله پیامدهای آن است.

کوهن [2]در سال ۲۰۱۹ در تحقیقی تحت عنوان «افزایش سن ازدواج در زنان و مردان آمریکایی» از طریق مشاهدات میدانی و از طریق ابزار پرسشنامه به این نتیجه رسیده است که رابطهٔ معناداری بین نژادها و افزایش سن ازدواج وجود دارد. همچنین در بین متغیرهای مورد بررسی، مهم‌ترین متغیر اثرگذار بر سن ازدواج، متغیر دسترسی و استفاده از وسایل ارتباط جمعی بوده است و بعد از این متغیر، متغیرهای اختلاف نگرش افراد با والدین و نیز توقعات اجتماعی، بیشترین سهم را در افزایش سن ازدواج دارند. این در حالی است که متغیرهای توقعات اقتصادی و پایگاه اقتصادی اجتماعی والدین، نقش بسیار ناچیزی در افزایش سن ازدواج دارد.

با عنایت به مروری بر نتایج ادبیات تحقیق، می‌توان اظهار نمود در پژوهش‌های انجام‌گرفته در حوزهٔ عوامل مرتبط با افزایش سن ازدواج، تاکنون اقدام درخور توجهی در خصوص شاخص‌سازی این مفهوم صورت نگرفته است و غیر از مقاله عباس زاده و نیک دل (۱۳۹۵) که با انتقادات قابل‌تأملی در حوزهٔ نگرش‌ها و شاخص‌ها مواجه شده است، مابقی پژوهش‌ها در حد تبیین ساختار نظری و تشریح حوزه‌ها باقی‌مانده‌اند. ازاین‌رو جای خالی تحقیقی که بتواند با ارائهٔ یک تحلیل متکی به روش‌های علمی که دید جامعی از مسألهٔ عوامل مرتبط با افزایش سن ازدواج ارائه دهد، خالی است. لذا اهمیت بررسی این موضوع را می‌توان در کمک به پیشرفت تخصصی و افزودن بر ادبیات علمی موضوع و برنامه‌ریزی عوامل مرتبط با افزایش سن ازدواج مطرح کرد، زیرا تاکنون درزمینهٔ فوق، بررسی‌های بنیادین صورت نپذیرفته است و به تبع آن در کشور ما نیز این موضوع تاکنون چندان مورد بررسی و توجه پژوهشگران و برنامه‌ریزان قرار نداشته است. ارزش عملی پژوهش نیز به نوبهٔ خود می‌تواند در جهت کمک به تغییر، بهبود و اصلاح روش‌ها و الگوهای مواجهه با برنامه‌ریزی عوامل مرتبط با افزایش سن ازدواج باشد.

[1] Hamka

[2] Cohen

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

مبانی نظری

ازدواج از مهم‌ترین رسوم معمول در تمام جوامع است که به دلیل نقش مهم آن در فراهم کردن ساختار و زیر بنای تشکیل خانواده و گسترش نسل، مهم‌ترین و بنیادی‌ترین نوع ارتباط معرفی شده است (نیکخواه، ۱۳۹٦: ۱۰۰). ازدواج یک پیوند مقدس، عقلانی و عاطفی بین دو نفر است، برای رسیدن به یک خانوادهٔ مستقل که در سایهٔ آن فرد به دریافت حس آرامش، هماهنگی، همدلی و همسویی در زندگی نایل می‌گردد (آرمند و همکاران، ۱۳۹۵: ١٤٤). تشکیل خانواده، آرامش و امنیت را برای جامعه به ارمغان می‌آورد و در صورتی‌که احساس افراد نسبت به زندگی مشترک مطلوب باشد، آنان را از امنیت و رفاه و سلامت برخوردار می‌سازد. برآورد آنها از توانایی‌های‌شان را می‌افزاید، پذیرش مسؤولیت و ایفای نقش والدینی را ترغیب می‌کند و کودکان را علیه فقر، بیمه می‌کند (بشیری خطیبی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳۰). این روزها در جامعهٔ ما این باور به وجو آمده است که با تأخیر انداختن ازدواج، فرد می‌تواند به تحصیل خود برسد و از این طریق تا آخر عمر یک شغل خوب و پر درآمد به دست خواهد آورد (عالمی نیسی، ۱۳۹۵: ٦٦). ازدواج، مقوله‌ای چندبعدی است که معضلات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... می‌توانند موانعی بر سر راه آن باشند (بشیر و آقایانی چاوشی، ١٤٠٠: ۱۳۲).

عوامل مؤثر بر سن از دواج عبارتند از: سن بلوغ، مقررات دینی و مذهبی، آداب و سنن و فرهنگ جامعه، قوانین و مقررات اجتماعی، وضع اقتصادی، نوع شغل میزان تحصیلات و جنس فرد (کاوه و همکاران، ۱۳۹۵: ٤٥٤). از دیدگاه ولد خانی (۱۳۹۵: ۱۷۵)، هر عاملی که باعث عدم شکل‌گیری ازدواج دختر و پسر شده است و با آن را به تأخیر بیاندازد، عامل بازدارندهٔ ازدواج نامیده می‌شود که این عوامل و فاکتورها عبارتند از: مشکلات اقتصادی و تشریفات و رسوم غلط، آزادی‌های غلط و گریز از مسؤولیت، خدمت سربازی پسران، مشکل تهیهٔ مسکن، مشکل‌پسندی و وسواس در انتخاب همسر، فقر و تهیدستی، برهم خوردن تعادل و توازن دختر و پسر آماده ازدواج به دلیل مهاجرت از روستاها به تحصیلات دانشگاهی، انحرافات جنسی و روابط نامشروع، ناتوانی جنسی مرد و سرد مزاجی زن، روابط عشقی شدید یعنی عاشق شدن، ناهماهنگی سطح اقتصادی و اجتماعی خانواده طرفین، گذشت زمان و مسن شدن دختر یا پسر، محارم رضاعی، تفاوت زیاد هوشی دختر و پسر، اختلافات عقیدتی و مذهبی و ... که گاهی این عوامل قابل رفع هستند و اساسا مهم نمی‌باشند مثل (فقر، تنگدستی، زمان تحصیل و...) گاهی هم این موانع قابل رفع نبوده و ازدواج نباید صورت گیرد نظیر: روابط عشقی، اختلاف شدید، تحصیلات، مشکلات اقتصادی و عدم توافق کامل خانواده دو طرف (جهانبخشی و فضل‌اللهی قمشی، ۱۳۹۵: ۱۵۸).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

از دیدگاه هزار جریبی و آستین فشان (۱۳۸۸: ۱۵) از اثرات منفی بالا رفتن سن ازدواج به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد: تخریب و تهدید بهداشت روانی؛ بروز و ظهور اختلالات و بیماری روانی و اجتماعی مانند افسردگی، اضطراب، اعتیاد و بزهکاری اجتماعی و به هدر رفتن انرژی عظیم افراد که مانع از رشد و اعتلای اجتماعی می‌شود. به عقیده صادقی و شکفته گوهری (۱۳۹۶: ۱۴۴)، نرخ بالای بیکاری در میان جوانان باعث تأخیر در ازدواج می‌شود. تأخیر در سن ازدواج، معمولا تبعات بسیاری به همراه خواهد داشت، خصوصا برای جوامعی که در بسیاری از حوزه‌ها هنوز سنتی هستند، تبعاتی چون کاهش باروری، کاهش مسؤولیت اجتماعی، گرایش به ارتباطات غیر متعارف دختر و پسر، بد خلقی در زندگی به دلیل عدم ارضای نیازهای فرد، افزایش دل - نگرانی خانوادها، افسردگی، اختلالات جنسی و گرایش به مواد مخدر را در بر خواهد داشت (نصرتی نژاد و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴۵).

چارچوب نظری تحقیق

یکی از نظریه‌های جمعیت‌شناسی مرتبط با ازدواج، نظریهٔ گذار جمعیتی دوم با تأکید بر تأثیر هماهنگ عوامل اقتصادی و اجتماعی است. طبق نظریهٔ گذار جمعیتی دوم، افزایش تصاعدی در خودمختاری فردی در زمینه‌های اخلاقی، مذهبی و سیاسی، اساس تغییرات انجام گرفته در تشکیل خانواده است (ترابی، ۱۳۹۵: ۱۱۳) .

همچنین طبق نظریهٔ نوسازی، جوامع سنتی نیز از پیامدهای مدرنیته در امان نبوده است و با ورود مدرنیته، این جوامع تحت تأثیر مدرنیته واقع می‌شوند. چنانکه جامعهٔ ایران نیز جامعه‌ای سنتی بوده است و ورود مدرنیته بر خیلی از آموزه‌های سنتی و دینی آن، از جمله ازدواج زودهنگام و بهنگام، تأثیر منفی داشته است (حبیب‌پور گتابی و غفاری، ۱۳۹۰: ۲۰). کومار[1]، مدرنیزاسیون را با ملاحظهٔ کلی‌ترین سطح، در اصل فردی شدن، تمایز یا تخصصی شدن و انتزاع می‌داند. وی نوسازی را دارای دو مرحله می‌داند. ابتدا باعث پیدایش نهادها و ارزش‌های اجتماعی جدید می‌شود که در این مرحله، مقاومت‌های اولیه، به‌صورت شدید و طولانی می‌باشد، ولی عموما محکوم به شکست است و سپس با مدرن‌سازی جامعه، مسائل جدید اجتماعی هم‌چون فردگرایی، افزایش جرم و انحرافات، از خودبیگانگی، طلاق و عدم ثبات خانواده مشاهده می‌شود. همچنین، بنا بر نظر گیدنز، مدرنیت به شیوه‌هایی از زندگی یا سازمان اجتماعی مربوط می‌شود که از قرن هفدهم به بعد در اروپا پیدا شد و به‌تدریج، تفوذی کم و بیش جهانی پیدا کرد». مدرنیت در ساده‌ترین صورت، شکل خلاصه شدهٔ تعبیر جامعهٔ مدرن با تمدن صنعتی است. تجدد، تغییرات

[1]. Koomar

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

ریشه‌ای در کیفیت زندگی روزمره پدید می‌آورد و بر خصوصی‌ترین وجوه تجربیات ما اثر می-گذارد. هیچ کس نمی‌تواند از تغییرات ناشی از مدرنیته گریزی داشته باشد. از نظر گیدنز، مدرنیت همانند شمشیر دولبه‌ای است؛ تحول نهادهای اجتماعی مدرن و گسترش جهانی آنها، در مقایسه با نظام پیشامدرن، امکانات بسیار بیشتری را جهت برخورداری از یک زندگی ایمن و خوشایند برای انسان آفریده است. اما روی تلخی نیز دارد که در قرن کنونی بسیار آشکار شده است؛ دنیای مجدد کنونی، سرشار از تهدیدها و خطرات هول انگیز است، نه به دلیل آنکه به طرزی اجتناب‌ناپذیر به سوی مصیبت و فاجعه پیش می‌رود، بلکه به این علت که خطرهای احتمالی بی سابقه‌ای را وارد میدان می کند (خندان و همکاران، ۱۳۹۹: ١٦٦).

از منظر تئوری رابطهٔ ناب، مهم‌ترین دگرگونی‌هایی که مدرنیته در روابط دوستانه ایجاد کرده است، دوستی با جنس مخالف بوده است. روابط دوستانه با جنس مخالف در جامعهٔ سنتی در قالب مقولهٔ همسرگزینی و ازدواج جای داشته است، اما هر چه جامعهٔ پساسنتی، توسعهٔ بیشتری یافته است، حرکت به سوی آنچه می‌توان آن را رابطهٔ ناب در روابط دوستانه با جنس مخالف، زناشویی و خانواده نامید، سرعت بیشتری گرفته است. گیدنز رابطهٔ ناب را نوعی رابطهٔ اجتماعی برابر و خودمرجع، می‌داند که تنها وابسته به احساس رضایت یا پاداش مشخصی است که از خود همان رابطه حاصل می‌شود. از دیدگاه او رابطهٔ ناب، پدیده‌ای است که در شرایط اجتماعی مدرنیتهٔ متأخر امکان‌پذیر شده است. او ظهور این رابطه را مسأله‌ای جدید برای عرصه‌های نوین زندگی شخصی می‌داند. تغییر شکل صمیمیت و رابطهٔ ناب که ابتدا در کشورهای غربی و پیشرفته به دنبال تحولات فرهنگی دههٔ ۱۹٦۰ و پس از آن به‌طور گسترده‌ای شیوع یافت، امروزه در اثر توسعهٔ وسایل ارتباطی، به‌ویژه اینترنت و پیشرفت حاصل از آن، به امری فرهنگی در سطح جهان تبدیل شده است (ابراهیمی و مهداد، ۱۳۹۸: ۳۵۷).

مک کرات[1] دو دسته علل تعیین‌کنندهٔ ازدواج را مشخص نموده است. دستهٔ اول آن‌هایی هستند که موجب می‌شوند ازدواج برای فرد رضایت بیشتری را نسبت به مجرد ماندن تأمین کند و دستهٔ دوم مواردی هستند که موجب می‌شوند ازدواج در میان بسیاری از جایگزین‌های نامطلوب برای فرد، کم‌تر نامطلوب باشد. آن‌ها با بررسی ۲۳ قضیهٔ مربوط به عوامل اقتصادی و اجتماعی مرتبط با ازدواج، یک قضیهٔ نظری عام را مطرح نموده‌اند، به این‌صورت که هر قدر تفاوت مثبت بین رضایت مورد انتظار از ازدواج و رضایت دریافت شده از موقعیت کنونی فرد، بیشتر باشد، احتمال ازدواج زودرس، بیشتر خواهد بود (نیازی، ١٣٩٤: ۳۷).

[1] - McCrate

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

یکی از نظریاتی که می‌توان در بررسی تأخیر در سن ازدواج از آن بهره جست، نظریهٔ دگرگونی ارزش‌ها از رونالد اینگلهارت[1] است، در این نظریه، به‌صورت مستقیم، اشاره‌ای به تأخیر در سن ازدواج نشده است، اما به تأثیر فرهنگ و ارزش‌های یک اجتماع، بر نقش‌ها و هنجارهای جنسی (مانند کاهش اهمیت ازدواج و نرخ پایین موالید) اشاره شده است. با توجه به اینکه در جامعهٔ ایرانی، سنت و ارزش‌های مربوط به حوزهٔ خانواده کماکان موضوعیت خود را حفظ کرده‌اند، بررسی این دگرگونی در زمینهٔ تأخیر در سن ازدواج که از چند سال گذشته تا به امروز روندی صعودی داشته است، می‌تواند تأثیر زیادی در روشن ساختن ابعاد این مسأله داشته باشد. اینگلهارت، دو فرضیهٔ اساسی برای دگرگونی ارزش‌ها مطرح می‌کند:

۱. فرضیهٔ کمیابی: اولویت‌های فرد بازتاب محیط اجتماعی و اقتصادی است. شخص بیشترین ارزش‌ها را برای آن چیزهایی قائل می‌شود که عرضهٔ آنها نسبتا کم است.

۲. فرضیهٔ اجتماعی‌شدن: مناسبات میان محیط اجتماعی اقتصادی و اولویت‌های ارزشی، یک رابطهٔ مبتنی بر تطابق بلافاصله نیست: یک تأخیر زمانی محسوس در این میان وجود دارد، زیرا ارزش‌های اصلی شخص تا حدود زیادی انعکاس شرایطی است که در طول سال‌های قبل از بلوغ وی حاکم بوده است.

این دو فرضیه باهم، مجموعهٔ به هم پیوسته‌ای از پیش‌بینی‌های مربوط به دگرگونی ارزش‌ها را پدید می‌آورند. «اول، در حالی‌که فرضیهٔ کمیابی دلالت بر این دارد که رونق و شکوفایی اقتصادی به گسترش ارزش‌های فرامادی می‌انجامد، فرضیهٔ اجتماعی‌شدن مبین این است که نه ارزش‌های فردی و نه ارزش‌های یک جامعه، به‌طور کلی یک شبه تغییر نمی‌کند. برعکس، دگرگونی اساسی ارزش‌ها، به‌تدریج و بیشتر به طرزی نامرئی روی می‌دهد، این دگرگونی در مقیاس وسیع، وقتی پدید می‌آید که یک نسل جوان‌تر، جایگزین نسل مسن‌تر در جمعیت بزرگسال یک جامعه می‌شود. دوم، پس از یک دوره افزایش سریع امنیت جانی و اقتصادی، شخص انتظار دارد بین اولویت‌های ارزشی گروه‌های بزرگ‌تر و جوان‌تر تفاوت‌های محسوسی بیابد (پیری ، ۱۳۹۶: ۳۶). طبق مطالب نظری مطرح شده در بالا، تأخیر در سن ازدواج یک پدیدهٔ رو به گسترش در بین جوانان تحصیل کرده است. مدرنیته و فرآیندهای نوسازی آن تا حد زیادی مسبب تغییرات در خانواده و ارزش‌های مربوط به ازدواج می‌باشد. هر چند در اینجا ممکن است، برخی نظریه‌پردازان به‌صورت مستقیم به تبیین موضوع تأخیر در سن ازدواج اشاره‌ای نکرده باشند، لیکن کلیات و چهارچوب نظری آنان تا حد زیادی روشن‌کنندهٔ این مسأله بوده است و اینکه

[1] Ronald Inglehart

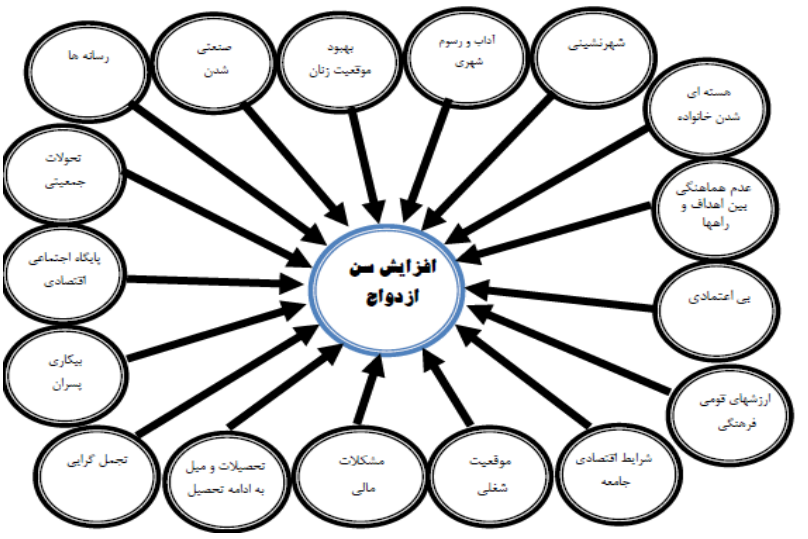
[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

صاحب‌نظران و اندیشمندان گوناگونی از مرتن گرفته تا گیدنز و اینگلهارت به طرح مباحث به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم در باب تأخیر در سن ازدواج و در قالب طرح کلان، میانی و خرد پرداخته‌اند. در سطح کلان، تحولات ساختاری حادث‌شدهٔ متأثر از مدرنیته که سبب افزایش سن ازدواج شده است، در حوزه‌های مرتبط با شرایط اقتصادی و پایگاه اجتماعی تحقق پیدا کرده است، مطابق با نظر به مرتن[1] (۱۳۷۹)، از یک طرف، کارایی پایین نظام اجتماعی در برآورده کردن و مهیا ساختن مقدمات ازدواج انسان مانند هزینه‌های سنگین ازدواج و از طرف دیگر، تجمل‌گرایی به دلیل عدم هم‌خوانی بین اهداف و خواسته‌های اجتماعی با آنچه که شخص به لحاظ فردی می‌خواهد، سبب تأخیر در سن ازدواج جوانان می‌شود. در سطح میانی می‌توان به عدم تناسب و هم‌خوانی بین صنعت و آموزش اشاره کرد، جایی که افراد مدارک تحصیلی و آموزشی لازم را برای ورود به بازار کار؛ که مقدمهٔ تشکیل خانواده و ازدواج است، کسب می‌کنند، ولی از کار و نظام‌های حمایت‌کننده خبری نیست. می‌توان از تأثیر صنعت و زندگی شهرنشینی، تضعیف گروه‌های خویشاوندی و افزایش حقوق و آزادی زنان (گیدنز[2])، عادت‌واره و تجربهٔ زیسته در اجتماع (بوردیو[3])، کاسته شدن از میزان فشار و تحمیل به هنگام ازدواج (مک دونالد[4] و هیرول)، بیکاری (پارسونز[5]) و میزان درآمد (اینگلهارت) با تأخیر در سن ازدواج، رابطه برقرار ساخت؛ در برخی موارد، برای فرد این امکان وجود ندارد که بخواهد همسری مطابق با معیارهای تحصیلی، سنی و مذهبی خود پیدا کند، لذا تا حد زیادی از سن ازدواج به موقع خارج شده و با نوعی سردرگمی و ابهام مواجه می‌شود. در جامعه‌ای مانند ایران، می‌توان گفت که کم‌ترین تناسب بین مدرک تحصیلی فرد و شغل او، در آینده وجود دارد، بیکاری و میزان پایین درآمد افراد، پاسخگوی ازدواج و نیازهای مابعد آن نیست. از طرف دیگر، متغیرهای سطح خرد، بیشتر واکنش افراد به تغییرات اجتماعی و دگرگونی ارزش‌های مربوط به خانواده و ازدواج را شامل می‌شوند. هنگامی که در جامعه‌ای مانند ایران، از تأثیر سنت، قواعد اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی کاسته می‌شود، قواعد و حقوق مربوط به آزادی‌های فردی و مدنی و آزادی جنسی، نقش پررنگی در ازدواج افراد ایفا می‌کنند. مطابق با نظریهٔ انتخاب عقلانی، فرد به محاسبهٔ سود و زیان ازدواج می‌پردازد، در جامعه‌ای که اتکا و امیدواری کمی نسبت به آینده برای جوانان وجود دارد، تأخیر در

[1] Merten
[2] Gidnez
[3] Bordio
[4] Donald and hirol
[5] Parisenz

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

سن ازدواج دیگر نمی‌تواند چندان غیرمعمول به نظر برسد. سطح تحصیلات (پارسونز[1])، سطح آگاهی جوانان (کاستلز[2])، آزادی جنسی و فردگرایی (گیدنز)، حق خود مختاری و خوداتکایی برای خود قائل شدن (بونک[3]) شکل‌گیری الگوهای مصرفی مبتنی بر تفریح، موسیقی و مدگرایی، تا حد زیادی زمینه‌ساز تأخیر در ازدواج جوانان می‌شوند (همان: ٥٤).



شکل **شمارهٔ یک– مدل مفهومی نظری پژوهش**

(نیازی و همکاران، ١٣٩٤: ٧٧).

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی است، از نظر جمع آوری اطلاعات از نوع اکتشافی می‌باشد، از نظر ماهیت به علت توصیف ویژگی‌های جامعهٔ آماری و شناسایی الگو، توصیفی–تحلیلی است و از نظر ابزار، مبتنی بر پرسشنامه می‌باشد. جهت گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر، از دو روش مطالعات کتابخانه‌ای و پیمایشی استفاده شده است. قلمرو مکانی پژوهش، شهر نوشهر می‌باشد که طبق فرمول کوکران تعداد نمونه ٣٨٤ نفر می‌باشد. انتخاب خانوارها به

[1] Parosenz

[2] Castlez

[3] - Bunk

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

صورت نمونه گیری تصادفی ساده[1] بوده است، تا اصل فرصت برابر به‌منظور انتخاب خانوار رعایت شده باشد. در این شیوهٔ نمونه‌گیری، هر یک از عناصر جامعهٔ مورد نظر، برای انتخاب شدن، شانس مساوی دارند. در این روش، افراد از فهرست جامعهٔ آماری که به همین منظور، شماره‌گذاری و تهیه شده است، به‌صورت تصادفی انتخاب می‌شوند. مطابق قانون احتمال، افراد انتخاب‌شده باید دارای ویژگی‌هایی همانند جامعه‌ای باشند که از آن انتخاب شده‌اند. بر این اساس و به‌منظور دستیابی به نتایج مطلوب، پرسشنامه‌ای جهت بررسی افزایش سن ازدواج در شهر نوشهر تدوین شد. قابل ذکر است که در امتیازدهی بر سؤالات پرسشنامه از طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای استفاده شده است. روایی پرسشنامه با کمک ۱۰ نفر از اساتید حوزهٔ فرهنگی شهر، مورد تأیید قرار گرفت و پرسشنامهٔ نهایی تنظیم گردید. سطح پایایی پرسشنامهٔ تحقیق با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷٤ به دست آمد که بیانگر ضریب اعتماد بالا می‌باشد و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی (آزمون تحلیل عاملی) استفاده شده است.

جدول شمارهٔ یک- معرفی شاخص‌های تحقیق

بعد	شاخص
اقتصادی	شغل مناسب
	مشکل تهیهٔ مسکن
	مهریهٔ سنگین
	مخارج هنگفت خرید طلا و جواهر
	بیکاری
اجتماعی	سطح انتظارات
	نظرات خانواده
	بی اعتمادی اجتماعی

[1] -Simple Random Sampling

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

	لذت بردن از دوران تجرد و تحصیلات
فرهنگی	سبک زندگی
	آداب و رسوم تشریفات ازدواج
	اولویت یافتن اشتغال و استقلال اقتصادی در جامعه
	آزادی روابط دختر و پسر ولنگاری فرهنگی

ماخذ: فولادی (۱۳۹۳)، عسگری و همکاران (۱۳۹۷)؛ عباس زاده و نیکدل (۱۳۹۵)؛ صادقی و شکفته گوهری (۱۳۹٦)؛ مرادی و صفاریان (۱۳۹۱)، شفایی و همکاران (۱۳۹٤)

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی

یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که از میان ۳۸٤ پاسخگو، ٦۲ درصد در گروه سنی ٤۰-۳۰ بوده، ۵۵ درصد متأهل و از نظر سطح تحصیلات ۷۱درصد در رده دیپلم و زیردیپلم می باشند، از منظر جنسیت ۵۱ درصد را مردان ، محل تولد۸۹/۸ درصد بومی شهر نوشهر، همچنین از منظر اشتغال ٦۷/٤ درصد شاغل بوده اند

جدول شمارهٔ دو-ویژگی های توصیفی پاسخگویان

ویژگی‌های پاسخگویان		بیشترین تعداد	بیشترین درصد
سن	۰-۳۰	۲۲	۵/۷
	۳۱-٤۰	۲۳۸	٦۱/۹
	٤۰-۵۰	۸۹	۲۳/۱
	بیشتر از ۵۰	۳۵	۹/۱۱
سواد	زیر دیپلم	۷۸	۲۰/۳
	دیپلم	۱۹۷	۵۱/۳
	لیسانس	٤۹	۱۲/۷
	فوق لیسانس	۵۹	۱۵/۳
	دکتری	۱	۰/۲٦

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

تأهل	مجرد	۱۷۳	٤٥
	تاهل	۲۱۱	٥٥
جنسیت	زن	۱۸۷	٤۸/٦
	مرد	۱۹۷	٥۱/۳
محل تولد	بومی	۳٤٥	۸۹/۸
	غیربومی	۳۹	۱۰/۱
اشتغال	شاغل	۲٥۹	٦۷/٤
	بیکار	۱۲٥	۳۲/۷

آمار استنباطی

به‌منظور سنجش مهم‌ترین عوامل بازدارندهٔ ازدواج و از این طریق افزایش سن ازدواج در شهر نوشهر، از آزمون تحلیل عاملی استفاده شده است.

جدول شمارهٔ سه- آزمون بارتلت در سطح معناداری

مجموعهٔ مورد تحلیل	مقدار KMO	مقدار بارتلت	سطح معناداری
مهم‌ترین موانع افزایش سن ازدواج شهر نوشهر	۰/۷٦۱	۱۱۰۹/۲٤	.۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

همچنین متغیرهای مورد بررسی توسط آزمون تحلیل عاملی؛ عامل‌سازی گردیده است. بدین صورت که متغیرهای بارگذاری شده در هر عامل که بالای ۰/۵ هستند، یک عامل را تشکیل می‌دهند و متغیرهایی که امکان تجمع با این‌ها را ندارند، عامل دیگری را تشکیل می‌دهند. نتیجهٔ حاصل از تقلیل ۲۹ متغیر، ۳عامل بوده است که در جدول (٤) آورده شده است.

جدول شمارهٔ چهار- عامل‌بندی متغیرهای مورد مطالعه

نام عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
اقتصادی	۸/٦۹	۱٥/۳۹	۱٥/٤۱

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

اجتماعی	۷/۳۲۹	۱۳/٦۹	۲۸/۹۸
فرهنگی	٦/۷۸۹	۱۲/۱۸	٤۱/۱

منبع: یافته‌های تحقیق

– تجزیه و تحلیل عامل‌ها

در ذیل، متغیرهای هر عامل با توجه به بارهای عاملی آورده شده‌اند.

الف–عامل اقتصادی

مقدار ویژهٔ این عامل ۸/٦۹ درصد می‌باشد که به تنهایی قادر است ۱۵/۳۹ درصد واریانس را محاسبه و توضیح دهد. در این عامل، ۵ متغیر بارگذاری شده است. از میان ۵ متغیر مورد بررسی در این عامل، متغیر بیکاری با بار عاملی ۰/٦۹۲ درصد و شغل مناسب با بار عاملی ۰/۸۰٦ درصد، به‌عنوان مهم‌ترین مانع افزایش سن ازدواج شناخته شدند.

جدول شمارهٔ پنج– متغیرهای بارگذاری شده در عامل اول

متغیر	بار عاملی
شغل مناسب	۰/۸۰٦
مشکل تهیهٔ مسکن	۰/٤۲۳
مهریهٔ سنگین	۰/۵۳٤
مخارج هنگفت خرید طلا و جواهر	۰/٤۰۷
بیکاری	۰/٦۹۲

عامل اجتماعی

مقدار ویژهٔ این عامل ۷/۳۲۹ درصد می باشد که به تنهایی قادر است ۱۳/٦۹ درصد واریانس را محاسبه و توضیح دهد. در این عامل، ٤ متغیر بارگذاری شده است. از میان ٤ متغیر مورد بررسی در این عامل، سطح انتظارات با بار عاملی ۰/٦٦۷ درصد در عامل اجتماعی، به‌عنوان مهم-ترین موانع افزایش سن ازدواج شهر نوشهر شناخته شدند.

جدول شمارهٔ شش– متغیرهای بارگذاری شده در عامل دوم

متغیر	بار عاملی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

سطح انتظارات	۰/٤١٦
نظرات خانواده	۰/۲۱۸
بی اعتمادی اجتماعی	۰/٦٦۷
لذت بردن از دوران تجرد و تحصیلات	۰/٤١٤

عامل فرهنگی

مقدار ویژۀ این عامل ٦/۷۸۹ درصد می‌باشد که به تنهایی قادر است ۱۲/۱۸ درصد واریانس را محاسبه و توضیح دهد. در این عامل، ٤ متغیر بارگذاری شده است. از میان ٤ متغیر مورد بررسی در این عامل، متغیر آزادی روابط دختر و پسر و ولنگاری فرهنگی با بار عاملی ۰/٦۸۰ درصد و اولویت یافتن اشتغال و استقلال اقتصادی در جامعه ۰/٦۷۰ درصد، در عامل فرهنگی، به‌عنوان مهم‌ترین موانع افزایش سن ازدواج در شهر نوشهر شناخته شدند.

جدول شمارۀ هفت- متغیرهای بارگذاری شده در عامل سوم

متغیر	بار عاملی
سبک زندگی	۰/٤۸۱
آداب و رسوم تشریفات ازدواج	۰/٦۳۵
اولویت یافتن اشتغال و استقلال اقتصادی در جامعه	۰/٦۷۰
آزادی روابط دختر و پسر ولنگاری فرهنگی	۰/٦۸۰

بحث و نتیجه‌گیری

تأخیر در ازدواج و تجربۀ طولانی شدن دوران تجرد برای جوانان در سال‌های اخیر به موضوع مهم و قابل تأملی در شهرهای بزرگ ایران تبدیل شده است. هدف این پژوهش، بررسی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج و ارائۀ راهکارهای اساسی در شهر نوشهر می‌باشد. نتایج حاکی از آن است که عامل اقتصادی با مقدار ۸/٦۹ به‌عنوان مهم‌ترین موانع افزایش سن ازدواج شهر نوشهر شناخته شد. این امر بر یافته‌های پژوهش ندوشن و همکاران ۱۳۹۷ منطبق بوده که نشان داد که زنانی که بر مبنای اکثر متغیرها و عوامل اقتصادی- اجتماعی مورد بررسی در این پژوهش، (نظیر تحصیلات، درآمد، وضعیت اشتغال، سطح توسعه‌یافتگی استان و ...)،

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

پایین‌ترین موقعیت اقتصادی و اجتماعی را دارا هستند، به‌طور متوسط در سنین بالاتری ازدواج می‌کنند. سپس، میانگین سن ازدواج زنان در سطوح متوسط موقعیت اقتصادی–اجتماعی، به کمترین مقدار خود می‌رسد و مجدداً برای زنان دارای بالاترین موقعیت اقتصادی–اجتماعی، به بیشترین مقدار خود می‌رسد. پیام این یافته‌ها آن است که اجرای سیاست‌هایی که بتواند به کاهش نابرابری‌های اقتصادی–اجتماعی و افزایش سطح عدالت اجتماعی کمک کند، می‌تواند شرایط ازدواج را در ایران تسهیل نماید. پژوهش مهربانی در سال ۱۳۹۵ نیز شواهدی را در حمایت از اثر منفی موقعیت اقتصادی (طبقاتی) به هنگام ازدواج ارائه می‌دهد که این متغیر بیانگر درآمد غیر دستمزدی افراد در زمان تشکیل خانواده است. با این وصف، پایین آمدن سن ازدواج می‌تواند یکی از عوارض کاهش شکاف طبقاتی (با ثبات سایر شرایط) در جامعه باشد. از نظر التجائی و عزیزاده (۱۳۹۵)؛ نیز برای حل مسأله‌ای اجتماعی به نام بالارفتن سن ازدواج، باید به بهبودی اوضاع اقتصادی به شکل کاهش تورم و بیکاری همت گماشت. در این ارتباط، انتظاری و همکاران (۱۳۹۶)، نیز نشان دادند پایگاه اجتماعی–اقتصادی پسران با ضریب به‌طور مستقیم بر افزایش سن ازدواج آنها تاثیر می‌گذارد. به عبارتی با بالاتر رفتن میزان تحصیلات، درآمد و منزلت شغلی پسران، سن ازدواج آنها افزایش می‌یابد. نتایج نشان می‌دهد پایگاه اقتصادی–اجتماعی خانوادهٔ دختران و پایگاه اقتصادی–اجتماعی پسران جوان، بیشترین تاثیر را بر افزایش سن ازدواج آنها دارد. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که وجود رابطهٔ معکوس بین پایگاه اجتماعی–اقتصادی با سن ازدواج، بیانگر تغییر در سبک زندگی خانواده و نظام ارزش‌های اجتماعی است. برخی پیشنهادات منتج از یافته‌های تحقیق به شرح ذیل خواهند بود:

- بسیج کردن دستگاه‌های فرهنگی و اقتصادی کشور جهت فراهم کردن منابع و امکانات خود در زمینهٔ ساماندهی و بهبود امر ازدواج
- فراهم کردن زمینهٔ شغلی و صنعتی مناسب برای جوانان
- تشویق فرزندان از طریق خانواده‌ها در امر ازدواج
- فرهنگ‌سازی در رسانه‌ها و تبلیغات شهری
- دادن مسکن برای پسران و به تبع آن کم شدن مشغلهٔ فکری آنها و اقدام برای ازدواج.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

- گسترش فرهنگ قناعت و ساده‌زیستی
- برگزاری کلاس‌های آموزشی در ارتباط با ازدواج و تحلیل و بررسی پیامدهای به تأخیرانداختن آن.
- ایجاد مراکز ویژه برای شناختن موقعیت‌های افراد طالب ازدواج و فراهم کردن زمینهٔ آشنایی خانواده‌ها و خواستگاری در مواردی که با معیارهای مورد نظر دختر و پسر هم-خوانی داشته باشد.
- فراهم کردن امکانات ازدواج، به‌دور از مخارج غیرضروری و در چارچوب فرهنگ دینی، از نوع ازدواج‌های گروهی که در سال‌های اخیر شاهد برگزاری ساده و صمیمی آنها بوده‌ایم، تا به این وسیله جوانان بتوانند با صرفه‌جویی، زمینهٔ یک زندگی ساده و سالم را فراهم کنند.
- منحصرنکردن امکانات مادی و رفاهی به دانشجویان و جوانان ساکن در پایتخت و تقسیم تسهیلات بین همهٔ قشرها و گروه‌ها در شهرها و شهرستان‌های مختلف.
- قرار دادن افرادی که ازدواج کرده‌اند در اولویت‌های اشتغال و در واقع، توجه به اشتغال جوانان به دور از تبعیض و رابطه‌محوری.
- باید تدابیری از سوی مربیان، مسؤولان فرهنگی و دولت در نظر گرفته شود که جوانان و نوجوانان در ابعاد گوناگون جسمی، جنسی، عقلی، اجتماعی، عاطفی و اقتصادی، به‌طور هماهنگ و متناسب رشد نمایند. آنچه در حال حاضر مشاهده می‌شود نا هم‌ترازی رشد و بلوغ جنسی و جسمی با دیگر ابعاد رشد یعنی رشد عقلی، اجتماعی، اقتصادی و عاطفی جوانان و نوجوانان است. از این‌رو، جوانان سال‌ها پس از رسیدن به بلوغ جنسی، منتظر یافتن شغل مناسب، تکمیل تحصیلات و دیگر پیش‌نیازهای زندگی باقی می‌مانند که در نتیجه، یا اصلاً به آن دست نمی‌یابند و یا وقتی به آن‌ها می‌رسند که دیگر شادابی، طراوت و انگیزهٔ ازدواج را ندارند، در هر دو صورت، زندگی آسیب‌پذیر و در معرض خطرات جدی است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

منابع

۱. ابراهیمی، مرضیه و فاطمه مهداد (۱۳۹۸) «مطالعهٔ کیفی زمینه‌های اجتماعی گرایش دختران به روابط پیش از ازدواج (مورد مطالعه: دانشجویان دختر خوابگاه شهر ارومیه)»، **مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران**، دورهٔ ۸، شمارهٔ ۲: ۳۷۸-۳۵۳.

۲. ابراهیمی، نازیلا؛ کرایی، امین؛ عباسپور، ذبیح اله و مسعود شهبازی (۱۳۹۹) «بررسی تأثیر ابعاد هویت فردی بر نگرش به ازدواج با میانجی‌گری مؤلفه‌های افق ازدواج در دانشجویان دختر مجرد تحصیلات تکمیلی»، **پژوهش‌نامهٔ زنان**، دورهٔ ۱۱، شمارهٔ ۳۱: ۲٤-۱.

۳. آرمند، محمدعلی؛ مرادی، ناهید و فرشته نوروزی (۱۳۹۵) «تحلیلی بر روند ازدواج و طلاق استان کردستان طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹٤»، **پژوهش‌های جامعه‌شناختی**، دورهٔ ۱۰، شمارهٔ ٤: ۱٤۳-۱٥٦.

٤. التجائی، ابراهیم و مینا عزیزاده (۱۳۹۵) «بررسی عوامل اقتصادی و فرهنگی مؤثر در سن ازدواج در ایران (مطالعه‌ای میان‌استانی)»، **جامعه‌پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگ**، ۷(۳): ۱-۱۸.

۵. انتظاری، اردشیر؛ غیاثوند احمد و فاطمه عباسی (۱۳۹۵) «عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج جوانان در شهر تهران»، **برنامه‌ریزی رفاه و توسعهٔ اجتماعی**، ۸(۳۳): ۲۰۱-۲٦۹.

٦. بالاخانه، فرزانه (۱۳۹٤) «**بررسی عوامل مؤثر در افزایش سن ازدواج دختران شهرکاشان**»، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشکدهٔ علوم انسانی، دانشگاه کاشان.

۷. بشیر، حسن و محمدرضا آقایانی چاوشی (۱٤۰۰) «نظریهٔ هم‌فرهنگی و افزایش سن ازدواج دختران تحلیل فیلم شمارهٔ ۱۷ سهیلا»، **فصل‌نامهٔ رسانه**، دورهٔ ۳۲، شمارهٔ ۲: ۱۳۱-۱٥۲.

۸. بشیری خطیبی، بهنام؛ باصری، علی؛ راد، فیروز و نوروز هاشم زهی (۱۳۹۹) «مطالعهٔ جامعه‌شناختی تجردگزینی جوانان (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات)»، **مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران**، دورهٔ ۹، شمارهٔ ٤: ۹۰٦-۸۷۹.

۹. بیجاری، هانیه؛ سپهری شاملو، زهره؛ مهرام، بهروز و منصوره السادات صادقی (۱۳۹۸) «ملاک‌های انتخاب همسر از دید افراد راضی از ازدواج (در دورهٔ عقد): یک مطالعهٔ کیفی»، **علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد**، دورهٔ ۱٦، شمارهٔ ۲: ۷٦-٤۱.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

۱۰. پیری، یونس (۱۳۹٦) «**بررسی عوامل مؤثر بر تأخیر در سن ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد**»، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشکدهٔ علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.

۱۱. ترابی، فاطمه و سجاد مسگرزاده (۱۳۹۵) «جامعهٔ مخاطره‌آمیز و میانگین سن زنان و مردان در نخستین ازدواج در ایران»، **زن در توسعه و سیاست**، دورهٔ ۱٤، شمارهٔ ٤: ۵۱۲-٤۹۳.

۱۲. حبیب‌پور گتابی، کرم و غلامرضا غفاری (۱۳۹۰) «علل افزایش سن ازدواج دختران»، **زن در توسعه و سیاست**، دورهٔ ۹، شمارهٔ ۱: ۳٤-۷.

۱۳. خلج آبادی فراهانی، فریده (۱۳۹۸) «مواجهه با محتوای خارج عرف جنسی (پورنوگرافی) در اینترنت و فضای مجازی و تأثیرات رفتاری در نوجوانان در تهران»، **خانواده-پژوهی**، دورهٔ ۱۵، شمارهٔ ۱: ۱۵۳-۱۲۷.

۱٤. خندان، زهرا؛ سیدان، فریبا و زینب رضایی (۱۳۹۹) «تجربهٔ زیستهٔ جوانان مجرد نسبت به افزایش سن ازدواج (بررسی نگرش، علل، راهبردها و استراتژی جوانان نسبت به افزایش سن ازدواج)»، دوفصل‌نامهٔ مطالعات اسلامی آسیب‌های اجتماعی، دورهٔ ۲، شمارهٔ ۲: ۱۸٤-۱٦۳.

۱۵. زارعان، منصوره (۱۳۹۷) «بررسی اکتشافی دلایل تأخیر در سن ازدواج از دیدگاه دختران دانشجوی شهر تهران»، مطالعات زن و خانواده، دورهٔ ٦، شمارهٔ ۲: ۱۱۰-۸۹.

۱٦. نیازی، محسن، شاطریان، محسن و الهام شفائی مقدم (۱۳۹٤) «بررسی نقش عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر در نگرش منفی به ازدواج (مطالعهٔ موردی شهروندان شهرستان کاشان)»، **جامعه‌پژوهی فرهنگی**، دورهٔ ٦، شمارهٔ ۲: ۲۷-۵۸.

۱۷. شکوری، اعظم؛ نقدی، اسداله؛ امامعلی‌زاده، حسین و زهرا رحیمی (۱۳۹۷) «عوامل مؤثر بر عدم تمایل به ازدواج در بین کارکنان مجرد ادارات شهرستان همدان»، **مطالعات راهبردی ورزش و جوانان**، دورهٔ ۱۷، شماره ٤۱: ۱۰۸-۹۵.

۱۸. صادقی، رسول و محمد شکفته گوهری (۱۳۹٦) «مطالعهٔ پیامدهای بیکاری بر تأخیر در ازدواج جوانان در شهر تهران»، **برنامه‌ریزی رفاه و توسعهٔ اجتماعی**، دورهٔ ۸، شمارهٔ ۳۰: ۱۷۵-۱٤۲.

۱۹. ضرابی وحید و سید فرخ مصطفوی (۱۳۹۰) «بررسی عوامل مؤثر بر سن ازدواج زنان در ایران؛ یک رویکرد اقتصادی»، پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعهٔ پایدار)، دورهٔ ۱۱، شمارهٔ ٤:

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

۳۳-٦٤.

۲۰. طبیعی، منصور و مرضیه شمسی‌پور (۱۳۹۷) «تعیین‌کننده‌های اجتماعی و فرهنگی مرتبط با الگوهای انتخاب همسر (مطالعهٔ موردی: زنان متأهل ۱۵تا ۳۵ سال شهرستان لامرد استان فارس)»، **توسعهٔ اجتماعی**، دورهٔ ۱۳، شمارهٔ ۲: ۱٤۰-۱۱۷.

۲۱. عباس‌زاده، محمد و نرمین نیکدل (۱۳۹۵) «مطالعهٔ بسترهای زمینه‌ساز تأخیر در ازدواج دختران با رویکرد پدیدارشناسی توصیفی»، **زن در فرهنگ و هنر**، دورهٔ ۸، شمارهٔ ٤: ٥۱٦- ٤۹۳.

۲۲. ندوشن، عبّاس؛ عباسی شوازی، محمدجلال و مریم پیری‌محمدی (۱۳۹۵) «سن ایده آل ازدواج و عوامل تعیین‌کنندهٔ آن در شهر یزد»، **مطالعات راهبردی زنان**، دورهٔ ۷۳، شمارهٔ ٤: ٦۳-۳۵.

۲۳. جهانبخشی، حیدرعلی و سیف‌الله فضل الهی قمشی (۱۳۹۵) «ریشه‌یابی و رتبه‌بندی علل افزایش سن ازدواج در بین دانشجویان»، **فصل‌نامهٔ علمی-پژوهشی اسلام و علوم اجتماعی**، دورهٔ ۸، شمارهٔ ۱٦: ۱۸۰-۱۵۷.

۲٤. عالمی نیسی، مسعود (۱۳۹۵) «سن ازدواج و موفقیت حرفه‌ای زنان؛ بررسی تطبیقی مطالعات تجربی در کشورهای مختلف»، **مطالعات راهبردی زنان**، ۱۹(۷۳): ٦٥-۹٤.

۲۵. عسکری ندوشن، عباس؛ فتوحی‌تفتی، فاطمه و ملیحه علی‌مندگاری (۱۳۹۷) «تفاوت‌های اقتصادی- اجتماعی مرتبط با سن ازدواج زنان در ایران: (مطالعهٔ تطبیقی دختران جوان در آستانهٔ ازدواج و زنان همسردار ٤۹-۱۵ ساله)»، **مطالعات راهبردی زنان**، دورهٔ ۲۰، شمارهٔ ۷۹: ۲۱۰-۱۷۱.

۲٦. غیاثوند، احمد و زینب حاجیلو (۱۳۹۹) «تجرد زیستی جوانان: پانتومیم دختران مجرد در ایستار ازدواج»، **فصل‌نامهٔ علوم اجتماعی**، دورهٔ ۲۷، شمارهٔ ۸۸: ۲۱۵-۱۷۵.

۲۷. فخرایی، سیروس و مهناز پورتقی (۱۳۹٤) «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با ازدواج دیررس جوانان ازدواج کرده بالای ۳۰ سال شهر بناب»، **مطالعات جامعه‌شناسی**، دورهٔ ۸، شمارهٔ ۲۷: ۸۰-٦۳.

۲۸. فعله‌گری، زینب؛ پروین، ستار و مهربان پارسامهر (۱۳۹۷) «واکاوی دلایل تأخیر ازدواج دختران: یک پژوهش کیفی»، **مطالعات جنسیت و خانواده**، دورهٔ ٦، شمارهٔ ۱: ۱۵۹-۱۲۷.

۲۹. فولادی، محمد (۱۳۹۳) «تحلیل جامعه‌شناختی افزایش سن ازدواج؛ با تأکید بر عوامل

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

فرهنگی»، **فصل‌نامهٔ معرفت فرهنگی اجتماعی**، دورهٔ ۲۰، شمارهٔ ٤: ۷۷-۱۰٤.

۳۰. قربانی، فرزاد؛ میرزایی، محمد؛ حدادی، محمد و زینب محمدی‌زاده (۱۳۹۸) «بررسی تعیین‌کننده‌های شکاف سن واقعی و ایده‌آل ازدواج در استان کهگیلویه و بویراحمد»، **فصل‌نامهٔ علوم اجتماعی**، دورهٔ ۲٦، شمارهٔ ۸۵: ۸۸-٦۳.

۳۱. قنبری برزیان، علی؛ سلمانوندی، شاپور و نرگس‌السادات فاطمی (۱۳۹۷) «تأملی بر تأثیر روابط جنسی پیش از ازدواج بر گرایش به ازدواج مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه اصفهان»، **پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران**، دورهٔ ۷، شمارهٔ ۳: ٥٤-۳۳.

۳۲. کاوه فیروز، زینب؛ زارع، بیژن و حسین شمس‌الدینی (۱۳۹۵) «تأثیر مؤلفه‌های سبک زندگی بر نگرش به فرزندآوری (مطالعهٔ موردی: زنان در آستانهٔ ازدواج شهر تهران)»، **زن در توسعه و سیاست**، دورهٔ ۱٤، شمارهٔ ۲: ۲۳٤-۲۱۷.

۳۳. مرادی، گلمراد و محسن صفاریان (۱۳۹۱) «عوامل اجتماعی و اقتصادی با افزایش سن ازدواج جوانان (مطالعهٔ موردی شهر کرمانشاه)»، **فصل‌نامهٔ مطالعات جامعه‌شناختی جوانان**، دورهٔ سوم، شمارهٔ ۷: ۸۱-۱۰۸.

۳٤. مهربانی، وحید (۱۳۹۵) «تحلیل اقتصادی تصمیم‌گیری برای سن ازدواج»، **مطالعات راهبردی زنان**، دورهٔ ۱۷، شمارهٔ ٦۵: ۱۱۸-٦۹.

۳۵. نصرتی نژاد، شریفیان، ثانی؛ علی و محمدی نوبری (۱۳۹۵) «تبیین جامعه شناختی دیرهنگامیِ ازدواج در میان جوانان شهرستان طارم»، دوفصل‌نامه مسائل اجتماعی ایران، دوره ۷، شماره ۲، ۱۵۸-۱٤۱.

۳٦. نیکخواه، هدایت الله؛ فانی، مریم و احمدرضا اصغرپور ماسوله (۱۳۹٦) «سنجش نگرش دانشجویان نسبت به ازدواج و عوامل مؤثر در آن»، **جامعه‌شناسی کاربردی**، دورهٔ ۲۸، شمارهٔ ۳: ۹۹-۱۲۲.

۳۷. ولد خانی، مریم؛ محمود پور، عبدالباسط؛ فرح‌بخش، کیومرث و حسین سلیمی بجستانی (۱۳۹۵) «تأثیر سن ازدواج، الگوهای همسرگزینی و تفاوت سنی زوجین بر کیفیت زندگی زناشویی زنان شهر تهران»، **مطالعات روان‌شناسی بالینی**، دورهٔ ۷، شمارهٔ ۲۵: ۱۹۰-۱۷۳.

۳۸. هزار جریبی، جعفر و پروانه آستین فشان (۱۳۸۸) «بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی مؤثر بر میانگین سن ازدواج زنان در سه دههٔ گذشته ۸۵-۵۵»، **برنامه‌ریزی رفاه و توسعهٔ**

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

اجتماعی، دورهٔ ۱، شمارهٔ ۱: ۳۲-۱.

39. Cohen, P. N., & Pepin, J. R. (2018) «Unequal marriage markets: Sex ratios and first marriage among Black and White women», **Socius**, 4, 1(4): 3-7

40. Hamka, R., Dewi, A. S., & Fitriana, D. (2021) «The development of marriage law regarding age limit of marriage based on legislation number 16 year 2019 regarding amendment to legislation number 1 year 1974 concerninig marriage and legal assurance theory». **Surya Kencana Tiga**, 1(2): 106-119.

41. Petroni, S., Das, M., & Sawyer, S. M. (2019) «Protection versus rights: age of marriage versus age of sexual consent». **The Lancet Child & Adolescent Health**, *3*(4): 274-280.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]